

خاندان کاشف الغطا

و آثار علمی ایشان

◇ دکتر عباس کاشف الغطا

دکتر عباس کاشف الغطا از فضایی حوزه نجف اشرف و از نوادگان علامه شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطا) است. دروس سطح عالی (خارج فقه و اصول) را نزد استادان بزرگ نجف به پایان برده و دکترای خود را با عنوان «مال مثلی و قیمی در مذاهب اسلامی» از دانشگاه بغداد دریافت کرده است. وی از پژوهشگران برجسته حوزه نجف است و برای احیای میراث گران قدر شیعه در نجف اشرف، کوشش و اهتمام می‌ورزد. آنچه می‌خوانید، گفت و شنودی است که در دیدار با ایشان به دست آمده است.

پژوهش و حوزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : ضمن تشکر از حضرت عالی که این وقت را در اختیار ما گذاشتید، در آغاز از جد شریفان شیخ جعفر کاشف الغطا و مقام علمی ایشان، نیز علمای آل کاشف الغطا به اختصار سخن بگویید.



□ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و به نستعین . مکتب اصولی امامیه در زمان شیخ کبیر، شیخ جعفر کاشف الغطا، از نقاط روشن و درخشان اندیشهٔ اصولی امامیه به شمار می‌آید؛ چون امتداد و ادامهٔ مکتب وحید بهبهانی شمرده می‌شود؛ مکتبی که به ژرف اندیشی عقلی معروف است. شیخ جعفر کاشف الغطا، تمامی آرای خویش را بر واقع پایه ریزی می‌کرد، چه در تشخیص موضوعات و چه تبیین و مشخص کردن مفهوم الفاظ شرعی. او فقیه زمان و عصر خود بود و تمامی آرا و نظریه‌هایش برگرفته از اوضاع و احوالی بود که در آن می‌زیست. وی مبتکر مباحث جدیدی مانند مبحث «ترتّب» است که انتساب آن به شیخ جعفر شهرت یافته است. همچنین کتابی در اصول با عنوان «غایة المأمول فی علم الاصول» منتسب به وی است که اگر خدا بخواهد آن را تدوین و چاپ می‌کنیم. این اثر از کتاب‌هایی است که در «سی‌دی نسخه‌های خطی کتابخانهٔ عمومی کاشف الغطا»^{۱۶} موجود است.

پس از شیخ جعفر کاشف الغطا، فرزندش شیخ علی در مباحث اصول شهرت یافت. وی استاد شیخ انصاری بود و شیخ مرتضی انصاری از محضر او بهرهٔ فراوان برد. شیخ انصاری دربارهٔ جایگاه اصولی خاندان کاشف الغطا سخنی دارد که در میان عالمان و فقیهان امامیه مشهور گشته است. وی می‌گوید: «هر کس مقدمهٔ کشف الغطا را که مقدمه‌ای اصولی است، بفهمد و حفظ کند، در نظر من مجتهد است». این گفتهٔ شیخ، از مقام و مکتب اصولی خاندان کاشف الغطا حکایت دارد. البته باید یاد آور شوم که مکتب اصولی امامیه از جانب اندیشمندان شیعه در هر زمانی ادامه و استمرار داشته و اختصاص به عالمان آل کاشف الغطا ندارد. بزرگانی چون شیخ انصاری - که مایهٔ سرافرازی تشیع و مجدد مکتب اصولی بود - همچنین شیخ نایینی، آقا ضیاء عراقی، آخوند خراسانی، آیت الله خویی و شهید سید محمد باقر صدر در بالندگی و پویایی این مکتب اصولی نقش به‌سزایی داشته‌اند؛ اما چون خواستید دربارهٔ عالمان خاندان کاشف الغطا بگویم، سخن را در این باره ادامه می‌دهم.

وقتی دست نوشته‌های عالمان آل کاشف الغطا را بررسی می‌کردم، اثر مهمی

از شیخ علی، فرزند شیخ کبیر، با نام خیمات یافتم که اخیراً به شکلی وزین در جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است. همچنین شیخ علی، اثری در «حجیت ظن» دارد که به اعتقاد من شیخ انصاری از این اثر آگاه بود و در تنظیم و تالیف رسائل از آن استفاده کرده است.

از شمار کتب اصولی علمای آل کاشف الغطا، اثر مهمی است که به صورت دست نوشته از شیخ محمد حسین کاشف الغطا برجای مانده است، این اثر درباره حکم ظاهری واقعی است، و هنوز به صورت نسخه خطی است و چاپ نشده است. از دیگر کتاب های اصولی خاندان کاشف الغطا کتاب الاحکام اثر مرحوم والد، شیخ علی، است که آن را در شش جلد تدوین کرده است. این کتاب را هم در سی دی کتب خطی کتابخانه عمومی کاشف الغطا قرار داده ام. مرحوم والد در این اثر، شیوه خاصی در مباحث علم اصول ارائه نموده و مباحث را در چهار عنوان تقسیم کرده است: حاکم، محکوم به، محکوم فیه و حکم. او تمامی مسائل اصول را در این عناوین چهارگانه وارد کرده که تقسیمی جدید و مبتکرانه در مکتب اصولی امامیه است. همچنین ایشان کتاب مفصل دیگری درباره اصول با نام تعارض و تعادل و تراجیح دارند. مرحوم والد نظرشان این بود که مسئله تعارض و تعادل و تراجیح، مسئله حقیقی علم اصول بوده و دیگر مسائلی که در کتب اصولی بحث می شود، منسوب به علم اصول است.

کتاب دیگری نیز از مرحوم والد در دو جلد، چاپ شده که در باره مصادر و منابع حکم شرعی است. در این کتاب از تمامی مصادر و ادله شرعی و قانونی که برای استنباط حکم به کار آمده، بحث شده است. همچنین منابع تشریح دیگر مذاهب اسلامی مثل سد ذرائع، مصالح مرسله، شرع پیش از ما و قیاس را مطرح کرده، نظر مکتب اصولی امامیه را درباره این منابع بیان نموده و جایگاه مکتب اصولی امامیه را در میان منابع اهل سنت و کتاب های حقوقی دیگر نشان داده است.

کتاب دیگر مرحوم والد النور الساطع فی الفقه النافع نام دارد که در چاپخانه الآداب، سال ۱۹۶۱م چاپ شده است. این کتاب دارای دو جلد است: موضوع جلد اول اجتهاد است که به تفصیل درباره اجتهاد سخن گفته و بحث ولایت فقیه را





نیز مطرح کرده است. ایشان نخستین کسی است که تحت عنوانی مستقل بدین بحث پرداخته است. جلد دوم درباره تقلید است. به نظر می‌رسد، این کتاب بزرگ‌ترین دائرة المعارف فقهی است که تفصیلاً به بحث اجتهاد و تقلید پرداخته است.

از خداوند متعال مسئلت دارم به جاه و شوکت امیر مؤمنان (ع) که به جوار او پناه برده ایم، خاندان آل کاشف الغطا همچنان بتوانند داده‌های فقهی و اصولی خود را ادامه دهند، چنان که شیخ اکبر، شیخ جعفر کاشف الغطا، در زیارت بیت الله الحرام از خدا درخواست کرد. همراهان ایشان، یعنی مرحوم سید مهدی بحر العلوم و سید محمد جواد عاملی (صاحب مفتاح الکرامه) و برخی دیگر از عالمان و فقیهان بزرگ شیعه نقل می‌کنند که شیخ جعفر داخل بیت الله الحرام شد و چنین دعا کرد: «خدایا، خاندان و ذریه‌ام را بی فقیه مگذار! سید بحر العلوم به او گفت: «ای شیخ: خدا دعایت را مستجاب کرد» این قضیه در کتاب قصص العلمای تنکابنی و عبققات العنبریه لطبقات الجعفریه شیخ محمد حسین کاشف الغطا و روضات الجنات خوانساری نوشته شده است. روایتی هم در این باره وجود دارد که مضمونش چنین است: «وقتی حاجی برای اولین بار وارد بیت الله الحرام شود و پرده کعبه را چنگ زند و دعای اوکش را بگوید، خداوند دعایش را مستجاب می‌کند».

لطفاً استادان پدر بزرگوارتان را معرفی و اندکی درباره

آن‌ها توضیح دهید.

□ برترین استاد ایشان، شیخ کاظم شیرازی (ره) بود که پدرم در تمامی دست نوشته‌هایش ایشان را می‌ستاید. شیخ کاظم شیرازی مکتب مشهوری داشت و از بهترین استادان حوزه علمیه در علم اصول بود. در نجف اشرف هر استادی دارای خصوصیت و شیوه‌ای معین بود؛ شیخ نایینی به ابداع قواعد و دیدگاه‌های جدید مشهور بود و آیت الله خوئی به ابتکار در آرا و اظهار و آشکار کردن ویژگی‌های آرا؛ اما شیخ کاظم شیرازی در نقد و اعتراض به تمامی آرا معروف بود. وی مردی منتقد و مخالف همه چیز بود. در درس ایشان فقط کسانی حاضر می‌شدند که دارای توان منطقی و قدرت محاوره و مناظره بودند. درس ایشان مناظره و مجادله بود. در این

باره روزی از پدرم شنیدم :

میان شاگردان شیخ کاظم شیرازی بحث در گرفت که آیا در درس حضور یابند و یا نه ؛ آنان هم رأی شدند که در صورت حضور پدرم (شیخ علی کاشف الغطا) در درس حاضر نشوند ؛ چون بین ایشان و استادش (شیخ کاظم شیرازی) بسیار مناقشه می شد و شاگردان کمتر به درس می رسیدند ؛ اما اگر پدرم نمی آمد، اینان حاضر بودند در درس حضور یابند ؛ پس به خانه والد آمدند و در خواست کردند در درس حاضر نشود، چون اینان در اکثریت بودند، والد خواسته آنان را برآورد و از حضور در درس سر باز زد. پس از سه روز شیخ کاظم شیرازی پرسید: شیخ علی کجاست؟! شاگردان گفتند: میان خود توافق کردیم یا او در درس حاضر شود یا ما ؛ چون بسیار مجادله و مناقشه و اعتراض می شد و فایده ای برای درس نمی ماند. شیخ کاظم شیرازی به آنان فرمود: همه شما حاضر نشوید ؛ اما شیخ علی بیاید ؛ چون آینده درخشانی دارد. اوست که درسم را می فهمد. این حکایت نشانگر عنایت ویژه ایشان به شاگردش است. شیخ کاظم شیرازی تمامی آرائش را در آثارش آورده است. از حاشیه اش بر مکاسب - که چاپی قدیمی در نجف دارد - می توان دقت عقلی و علمی اش را ملاحظه کرد.

پیشگویی

آیا والدتان در درس های دیگر شرکت کرده است ؟

□ خیلی کم نزد سید ابوالحسن اصفهانی درس خواند با این حال، سید ابوالحسن اصفهانی ایشان را به «مجتهد صغیر» ملقب گردانید و به او اجازه اجتهاد داد.

پیشگویی

در چه سالی به تدریس سطح و دروس عالی و بحث خارج

اصول پرداخت ؟

□ شیخ والد، از بهترین استادان معقول بود. ایشان استاد شیخ احمد وائلی در تجرید الاعتقاد بود، نیز استاد سید جمال خوبی و شیخ باقر قرشی و برادرش شیخ هادی قرشی بوده است.

شیخ والد، دائرة المعارف بود و در ادبیات عرب، اصول، منطق و فقه دارای



تالیفاتی است. او در بالاترین مکتب فقهی رشد کرد. معروف بود که وی از استادان مشهور حوزه است. هر که شرح حال اعلامی مانند آیت الله خویی و سید ابو الحسن اصفهانی را نوشته، گفته است: مجتهد، شیخ علی کاشف الغطا، مدرّس حوزه علمیه بوده و درسش مشهور است.

❦ در درس پدرتان حضور داشتید؟

□ حضور نداشتم؛ من از شاگردان آیت الله سیستانی هستم.

❦ والد مکرمتان به جز تویب و تدوین جدید در علم اصول،

کار جدید دیگری دارند؟

□ وی آثار فقهی اش را، بر خلاف رساله های عملیه، نوشته است که از طریق سی دی کتب کاشف الغطا می توانید شیوه درست نگارش و اسلوبشان را بیابید. در رساله اش مقدمه ای مختصر - به مقداری که یک مکلف نیازمند است - در باره اصول دین نوشته، سپس مسائل فقهی طهارت و نماز را نگاشته است. وقتی به کتاب الصلاة ایشان - که در قم موجود است - مراجعه می کنید، در آغاز از نماز در ادیان گذشته گفته، بعد به معنای لغوی صلاة اشاره کرده، آن گاه از تاریخ تشریح نماز سخن گفته، سپس فضیلت نماز را بر شمرده و در آخر وارد احکام نماز مثل احکام وقت و کم و زیاد کردن اجزای نماز شده است. ایشان به شیوه متداول رساله های عملیه - یعنی ذکر مسئله و پاسخ - عمل نکرده، بلکه به شیوه ای دیگر نوشته است. حتی اجدادم (شیخ احمد کاشف الغطا یا شیخ محمد حسین کاشف الغطا) یا شیخ هادی کاشف الغطا) ابدأ به شیوه کتاب های سنتی نمی نوشتند. این مطلب را می توان از سی دی یاد شده فهمید؛ چون تمامی کتب کاشف الغطا در آن گرد آورده شده است، به طور مثال: شیخ هادی، رساله عملیه را طبق عناوین معین و فراگیر به احکام مالی، احکام شخصی و احکام عبادی تقسیم کرده است. او شیوه سنتی را که از نماز شروع و به دیات ختم می شود، دنبال نکرده است. افزون بر این، فقهای آل کاشف الغطا گذشته از اجتهادشان، عالم لغت و ادب بودند و در کتاب هایشان



نکات ادبی دیده می شود. عروة الوثقی که رساله سید کاظم یزدی است و عبارات هایش در بلاغت و ساختار بهترین عبارات ها است، به دست سه شخص از خاندان کاشف الغطا نوشته شد: شیخ محمد حسین کاشف الغطا، سید حسین کر بلائی و شیخ احمد کاشف الغطا (برادر شیخ محمد حسین، نگارنده سفینه النجاة). اینان وصی سید کاظم یزدی بودند و سید کاظم فتواهایش را به آنان می داد و آن ها فتوا را به شکلی استوار و فصیح تدوین می کردند. نخستین کسانی که بر عروة الوثقی تعلیقه زدند، شیخ محمد حسین و شیخ احمد هستند. در آخر این تعلیقات، چگونگی تألیف عروة الوثقی و این که چه کسانی عبارات و جملات آن را بدین شیوه محکم و رسا نگاشتند، آمده است.

شیوه شیخ والد این بود که هر گاه می خواست درباره موضوعی بنگارد، آن را به خوبی می پروراند و با احاطه و چیرگی کامل می نگاشت. وقتی نقد آرای منطقی را می نوشت، گفته می شد آخرین کتاب در این باره است و هنگامی که در اجتهاد و تقلید قلم می زد، احساس می شد بزرگ ترین کتابی است که در این باره تألیف شده است.



سؤال: از آثاری که در سی دی موجود است بگویید، آیا اثر منطقی

ایشان، در این سی دی هست؟

□ سی دی، تمامی کتب کاشف الغطا را در بر دارد. آنچه ذکر کردم، بعضی کتاب ها بود. کتاب های موجود در سی دی یکصد و دو عنوان است و گاه یک عنوان دارای پنج یا شش جلد است. هنوز مشغول وارد کردن دست نوشته ها در این سی دی هستم و از خداوند می خواهم در تکمیل آن یاری دهد!

سؤال: آیا تنهایی به این موفقیت بزرگ - یعنی وارد کردن کتاب ها در

سی دی به منظور احیای میراث علمی، فرهنگی آل کاشف الغطا -

دست یازیده اید؟

□ پس از آن که درس را در مرحله دکترا به پایان رساندم و درجه دکترا را با رساله «نظریه مال مثلی و قیمی در فقه اسلامی» گرفتم، به نجف برگشتم و کتابخانه های



نجف، را - به ویژه کتابخانه های شخصی علما را - در حالت نامناسبی یافتیم. ما وسایل و ابزاری را که بتوانیم نسخه های خطی به ارث رسیده از نیاکان و پدرانمان را حفظ و نگهداری کنیم نداشتیم. بنابراین تصمیم گرفتیم دست نوشته هایی را که از پدران و نیاکان خود در کتابخانه آل کاشف الغطا به ارث برده بودم، وارد سی دی کنم. می دانید که نسخه های خطی و دست نوشته در نجف، بیشتر از کتب چاپی است. نجف گنجینه ای است که از مخطوطات خالی نمی ماند و مرکز ثقل بزرگ تشیع است. علی رغم تنگناهای مادی و مسائل امنیتی که از هر طرف و هر جا ما را محاصره کرده بود، توانستیم در مکانی متروک، شبانه روز کار کنیم. کاری به مردم نداشتیم و مردم نیز ما را نمی شناختند، هر چند خانواده و فرزندانمان نگران بودند و بر جان مان می ترسیدند؛ تمام همت و تلاش خود را در تبدیل این نسخه های خطی به نرم افزار به کار بستیم. گروهی از حوزه علمیه این برنامه را تایید کردند و به ما تبریک گفتند؛ اما گروهی دیگر با ما مخالفت نموده و گفتند: «شیخ از بغداد آمده، می خواهد حوزه و اذهان طلبه را با وارد کردن دستگاه کامپیوتر خراب کند». ما اولین کسانی بودیم که کامپیوتر را وارد حوزه علمیه نجف کردیم و از نخستین کسانی بودیم که دارای رایانه و اسکنر بودیم.

به هر روی، به برکت امیر مؤمنان(ع) و پس از دو سال کار شبانه روزی و با مشورت و کوشش برخی برادران برای آموزش اطلاعات و برنامه های ویژه، خداوند کمک کرد و توانستیم مخطوطات را حفظ کنیم. سی دی نخست در ساعت چهار صبح آماده شد و پس از آن که از کار کرد آن اطمینان حاصل شد، آن را به حرم امیر مؤمنان(ع) بردم و در ضریح انداختم. پس از آن، به کار ادامه دادیم تا سی دی ششم و هفتم نیز آماده شد. خیلی ها وقتی که از کار ما آگاه می شدند، آن را نمی پذیرفتند و ما را از کار با کامپیوتر بر حذر می داشتند. بعد از آن که شماری از سی دی ها آماده شد، شبانه کامپیوتر را با سی دی به نزد بزرگان و مراجع می بردیم و آنان با مشاهده این اقدام مبارك آن را تحسین می کردند. این امر، بسیاری از مراجع، فقها و فضلاء حوزه را نسبت به تهیه و استفاده از

کامپیوتر ترغیب نمود که برایشان دستگاه خریدیم و چگونگی استفاده از آن را آموزش دادیم. من این کار را برای خدمت به شیعه انجام دادم و معتقدم هیچ ابزاری مانند کامپیوتر به تشیع خدمت نکرده است. ما حدود هزار و دویست نسخه خطی دست نوشت را تا سال ۱۹۹۹م تبدیل به سی دی کردیم.

آیا این مخطوطات فقط از کتابخانه کاشف الغطا هستند یا

از کتابخانه های دیگران هم می باشند؟

□ برخی نسخه ها از کتابخانه های دیگر است. به بعضی برادران مبالغی می دادیم تا نسخه های خطی را برای ما بیاورند، بعد از آن کپی تهیه کرده، جلد می کردیم. تمام این کارها مخفیانه بود. حدود بیست نفر بودیم که در اتاق می خوابیدیم و همان جا غذا می خوردیم و کسی مطلع نبود. صبح یکی از روزها حدود هشتاد مرد مسلح از سازمان امنیت به ما حمله کردند و من و سه برادر معمم و خواهر زاده ام (فرزند کرباسی) را دستگیر کردند و دستگاه ها و نسخه های خطی را مصادره نمودند. آن ها ما را به سازمان امنیت بردند و قضایایی پیش آمد؛ اما به برکت امیر مومنان - صلوات الله و سلامه علیه - و عالمانی که مخطوطاتشان را حفظ کرده بودیم، فرجی حاصل شد و این جریان به خیر و خوبی گذشت. اکنون که نظام صدام سقوط کرده - الحمد لله - کار خود را در مدرسه به صورت علنی از سر گرفته ایم و با خرید دستگاه به کار و خدمت خود ادامه می دهیم. ما در نمایشگاه کتاب هم شرکت کرده ایم. سی دی هایی را تولید کرده ایم نمی فروشیم و این کار را حرام می دانیم. ما تمامی این نسخه های خطی را که به سی دی تبدیل کرده ایم، به هر مؤسسه ای که استفاده کند - قره الی الله - هدیه می دهیم.

تا کنون توانسته ایم نزدیک به ۶۸ سی دی تولید کنیم که در بر دارنده بیش از ۱۶۵۰ نسخه خطی است. این کار هنوز ادامه دارد. کار دیگری که کرده ایم، تهیه «میکروفیلم» است که شامل حدود پنج هزار اثر خطی است. اگر خدا توفیق



دهد و اسکنر دقیقی فراهم کنیم، می توانیم این میکروفیلم را هم به سی دی تبدیل نماییم. البته پیش از این، با کمک برادران لبنانی اسکنر (اپسون) که اسکنر خوبی است فراهم آوردیم و یک ماه با آن کار کردیم؛ اما وقتی دستگیر شدیم، آن را از ما گرفتند.

سوال: آیا با مراکز علمی قم یا دیگر شهرهای ایران ارتباط دارید؟

□ می دانید که در این خصوص، ما تازه کارمان را آغاز کرده ایم. در آن زمان که تاریکی و اختناق رژیم همه جای عراق را فرا گرفته بود، از تبلیغات و ارتباط با شما خبری نداشتیم. تازه چند ماه بیشتر نیست که خداوند ما را از تاریکی و آن وضع اختناق آمیز رها کرده و می توانیم خواسته هایمان را بگوییم. در زمان رژیم سرنگون شده صدام نمی توانستیم حرف بزنیم و شما را ببینیم؛ چه رسد به این که با شما صحبت کنیم؛ وضع کنونی تازه پیش آمده، پیش تر نبود.

سوال: مایلید از ایران و حوزه قم دیدار کنید؟

□ من آمادگی دارم بی هیچ چشم داشت، میراث شیعی نجفی امامیه را به هر مرکز که مایل باشد، تقدیم کنم؛ چه از طریق شما یا هر مجموعه دیگری. شما هم به نیت خدمت به امام علی بن ابی طالب (ع) آن را تحقیق کنید و چاپ نمایید. ما چشم داشتی نداریم، بلکه می خواهیم به حوزه نجف خدمت کنیم. من اکنون با حوزه علمیه مرتبط هستم و درس و تدریس دارم. افزون بر این، خداوند بر من منت نهاده و در حال حاضر، دانشگاه اسلامی و دانشکده شریعت و قانون را در شهر نجف اشرف تأسیس کرده ام و در آن جا درس می دهم. از خداوند مسئلت دارم در فرصتی نزدیک زیارت امام علی بن موسی الرضا (ع) را نصیبم کند.

سوال: شما به تنهایی، این مؤسسه بزرگ را اداره می کنید؟

□ این کار ما نیست، بلکه امداد و لطف اسیر مؤمنان (ع) است که شایسته نجف



می باشد. هیچ مجتهد و فقیه و مرجعی نیست که به درس خواندن در نجف افتخار نکند. پدران و نیاکانمان به ما آموخته اند در محله های نجف جز با وضو راه نرویم. از خداوند مسئلت دارم حوزه نجف با همان شهرت، درس، استادان، کیان و دهش پیشینش به جامعه تشیع برگردد. وضع [سابق و] کنونی بدترین مقطعی است که بر سر تشیع در نجف گذشته است.

سؤال: آیا ورود شما به دانشگاه به خواست پدران بود؟

□ ما خاندان آل کاشف الغطا، در درس خواندن مشهوریم و افزون بر درس های مکتب امامیه، مذاهب دیگر را نیز می آموزیم. شیخ محمد حسین در «الآزهر» حضور یافت و پدرم در زمان جمال عبدالناصر هفت سال در «مجمع البحوث الإسلامية» در مصر بود، همچنین برای شرکت در کنگره ها به کشورهای نظیر پاکستان و هند مسافرت می کرد. حتی شیخ جعفر کبیر به بغداد رفت و نزد استادان سنی درس خواند. در باره ما مشهور است فقط به یادگیری اسلام بسنده نمی کنیم، بلکه دیگر ادیان را هم می آموزیم؛ چنان که من تورات و انجیل را آموختم و با آن ها آشنا شدم و چگونگی گرد آوری و شمار انجیل ها و سفرها و صحاح موجود را می دانم.

در منطقه «کفل» نزدیک کوفه که معروف به نیل است و حضرت «ذوالکفل» در آن جا مدفون است، یهودیان سکونت داشتند. آنان از شیخ جعفر کاشف الغطا که مدت بسیاری از عمرش را برای یادگیری تورات و فراگیری زبان یهودیان گذرانده بود و زبان عربی می دانست، خواستند تا با آن ها مناظره کند. ایشان هم با پذیرش خواسته عالمان یهودی این منطقه با آن ها به مناظره برخاست. این حادثه مشهور است که عالمان یهودی به شیخ جعفر گفتند: آیا پیامبران نمی گوید: «عالمان امتم بهتر از پیامبران بنی اسرائیل اند؟» شیخ به آنان گفت: همین طور است. یهودی ها گفتند: اگر شما از عالمان امت اسلامید و بهتر از پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر ما حضرت موسی، عصایش را می انداخت و ازدها



می شد، آیا شما می توانید مانند این کار را انجام بدهید؟ شیخ - که نام پسر بزرگش موسی بود، به آنان گفت: من هم ابوموسی هستم و سپس عصایش را انداخت و ازدها شد. در نتیجه این مناظره تمامی علمای یهودی از منطقه «کفل» کوچیدند و شهر «کفل» از آن زمان به بعد، شهری شیعه نشین شد.

من نزد آیت الله سیستانی - حفظه الله - درس خوانده ام. ایشان در درسش آرای مذاهب دیگر و حتی آرای قانون دانانی مانند «سنهوری» را از کتاب مصادر الحق و مصادر الفقه الاسلامی نقل می کرد. من باور دارم که هر یک از شخصیت های مذهب امامیه فقه مقارن با مذاهب دیگر را نوشته، از افراد برجسته مکتب امامیه بوده و هر که مذاهب دیگر را آموخته، قدرت و توان علمی او افزایش یافته است. این شیوه ما و مکتب نجف بوده و از ویژگی های مکتب نجف است که مذاهب دیگر هم در آن جا خوانده می شود. من با استفاده از این ویژگی حوزه نجف و از راه درس خواندن در این مکتب، با کتب فقهی حنفی ها و مالکی ها و امامیه آشنا شدم و در رساله دکترایم با موضوع «مال مثلی و قیمی» تمامی آرای مذاهب اسلامی مالکی، شافعی، حنفی و حنبلی را به صورت مقارن (و تطبیقی) نوشتم و برتری فقه امامیه بر فقه مذاهب یاد شده را در ژرف اندیشی، ریز بینی و دقت علمی در طرح مسائل فقهی بیان کرد.

پیشگامان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیشگامان: از شما بسیار سپاسگزاریم که امکان این گفت و گو را فراهم

ساختید.

□ پی نوشت:

* سی دی های یاد شده در این گفت و گو، در بخش «راهنمای نسخه های خطی کتابخانه کاشف الغطاء» آمده است.